

۲ اکتبر

۲۰۱۳



# سخنرانی های همگانی پاپ فرانسوا

باورنامه: اعتراف ایمان به تقدس کلیسا

خواهران و برادران گرامی، صبح به خیر!

در باورنامه پس از اعتراف: "من ایمان دارم به یک کلیسای... " ما صفت "مقدس" را می افزاییم؛ ما بر تقدس کلیسا تأکید می کنیم، و این ویژگی ای است که از آغاز در وجدان مسیحیان نخستین حاضر بوده است، همانهایی که به سادگی "مردمان مقدس" خوانده شده اند. ( اعم ۹: ۱۳، ۳۲، ۴۱ روم ۸: ۲۷ اول قرن ۶: ۱) چراکه آنها یقین داشتند که این کار خدا است، روح القدس است که کلیسا را تقدیس می کند.

اما اگر می بینیم کلیسای تاریخی، در سفر درازش در درازای سده ها، سختی ها، مشکل ها و نقاط تاریک بسیاری داشته، پس کلیسا به چه معنی مقدس است؟ چگونه کلیسایی دربردارنده موجودات انسانی و گناهکار، می تواند مقدس باشد؟ مردان و زنان گناهکار، کشیشان گناهکار، خواهران گناهکار، اسقفان گناهکار، کاردینال های گناهکار، پاپی گناهکار؟ همه. چنین کلیسایی چطور می تواند مقدس باشد؟

۱). برای پاسخ دادن به این پرسش مایلم از بخشی از سخنان پولس قدیس به افسسیان راهنمایی بگیرم: او با به کار گیری مثال روابط خانوادگی، اعلام می کند: " مسیح کلیسا را دوست داشته و خود را برای او تقدیم کرده، باشد که او را مقدس سازد" ( افس ۵: ۲۵-۲۶). مسیح با تقدیم خود بر صلیب کلیسا را محبت کرد. و این به آن معنا است که کلیسا مقدس است چراکه از خدایی می آید که مقدس است. خداوند به او وفادار است و او را به قدرت شرف و مرگ تسلیم نمی کند (مت ۱۶: ۱۸). او مقدس است برای آنکه عیسا مسیح، آن یگانه قدوس خدا (مر ۱: ۲۴) به شکلی پایدار با او یگانه است (مت ۲۸: ۲۰)؛ او مقدس است چراکه به وسیله روح القدس راهنمایی می شود، که تزکیه می کند، دگرگون می سازد، نو می کند. او با شایستگی خودش مقدس نیست، بلکه از آن رو چنین است که خدا او را مقدس کرده، این میوه و هدیه روح القدس است. ما نیستیم که کلیسا را مقدس می کنیم. خدا است، روح القدس است که در محبت خودش کلیسا را مقدس می سازد.

۲). ممکن است بگویید: اما کلیسا از گناهکاران ساخته شده، ما هر روز آنها را می بینیم. و این درست است: ما کلیسایی از گناهکاران هستیم؛ و ما گناهکاران فراخوانده شده ایم تا بگذاریم که خداوند ما را دگرگون کرده، نو کرده، مقدس سازد. در تاریخ، این وسوسه برخی بوده است که بگویند: کلیسا تنها کلیسای پاکان است، استواران کامل، و او تمامی دیگران را بیرون می اندازد. این درست نیست! این بدعت است! کلیسایی که مقدس است، گناهکاران را رد نمی کند؛ او همه ما را پس نمی زند؛ او رد نمی کند، چرا که همه را فرامی خواند، همه را می پذیرد، کلیسا حتی به روی آنها که نسبت به بقیه از او دورترند گشوده است، او همه را فرامی خواند تا بگذارند رحمت و شفقت و بخشش پدر آنها را در برگیرند. پدری که امکان دیدار خود و سفر به سوی تقدس را به همگان پیشکش می کند، " خب! پدر من یک گناهکارم، گناهان بشمار کرده ام، چطور ممکن است خودم را بخشی از کلیسا احساس کنم؟ خواهر و برادر گرامی، این دقیقا چیزی است که خدا می خواهد، که به او بگویید: " خداوندا، این منم، با گناهانم". آیا کسی از شما بی گناه است؟ کی؟ هیچ کس، هیچ کدام از ما بیگناه نیستیم. همه ما بار گناهانمان را بر دوش داریم. اما خدا می خواهد بشنود که ما به او می گوییم: " مرا ببخش، کمکم کن تا راه بیافتم، دلم را دگرگون کن!". و خداوند می تواند دل شما را دگرگون کند. خدایی که در کلیسا با او روبرو می شویم یک داور بی رحم نیست، بلکه مانند پدر مثل انجیل است. شما ممکن است مانند پسری باشید که از خانه بیرون رفت، در ژرفاها غرق شد، دورترین فرد از انجیل. هنگامی که قدرت داشته باشید بگویید؛ من می خواهم به خانه برگردم، در را باز می یابید. خدا به دیدار شما می آید چراکه همیشه منتظر شما است، خدا همیشه منتظر شما است، خدا

شما را در آغوش می کشد، شما را می بوسد و جشن می گیرد. خداوند این گونه است، مهربانی پدر ما این گونه است خدا از ما می خواهد عضو کلیسایی باشیم که می داند چطور آغوش بگشاید و همه را بپذیرد، اینجا خانه شمار اندکی نیست، بکله خانه همگان است، جایی که همه می توانند با عشق او نو، دگرگون و مقدس شوند، تواناترین و ناتوان ترین، گناهکاران، بی تفاوت ها، آنها که احساس دلسردی و گمشدگی می کنند. کلیسا تمام امکانات پیمودن راه تقدس را پیشکش می کند، راهی که راه مسیحی است: او ما را در آیین ها به دیدار عیسی مسیح می برد، به ویژه در آیین های آشتی و سپاسگزاری؛ او سخن خداوند را به ما می رساند، او سبب می شود در محبت زندگی کنیم، در محبت خدا برای همه. پس بیایید از خود بپرسیم آیا اجازه می دهیم تا مقدس شویم؟ آیا ما کلیسایی هستیم که گناهکاران را با آغوش باز می خواند و می پذیرد، کلیسایی که امید و دلیری می بخشد، یا کلیسایی هستیم که در به روی خودش بسته است؟ آیا ما کلیسایی هستیم که محبت خدا در آن خانه دارد، جایی که همه مراقب یکدیگر اند، جایی که یکی برای دیگری دعا می کند؟

۳. پرسش پایانی: من، یک گناهکار ناتوان شکننده، چه می توانم بکنم؟ خدا به تو می گوید: از تقدس نترس، از هدف بلند نترس، از اینکه خدا تو را دوست بدارد و خالص کند نترس، از هدایت شدن با روح القدس نترس. بگذاریم تقدس خدا به ما سرایت کند. هر مسیحی به تقدس فراخوانده شده است. و به ویژه، مقدس شدن ساخته کارهای شگفت انگیز نیست، بلکه از این ساخته شده که بگذاریم خداوند کار کند. این رو-در-رویی ناتوانی ما با فیض او است، این ایمان داشتن به کار او است که به ما اجازه می دهد در محبت زندگی کنیم، تا هر کار را با شادی و فروتنی انجام دهیم، برای شکوهمندی خداوند و به عنوان خدمتی به همسایه مان. گفتاری مشهور است از نویسنده فرانسوی لئون بلووا که در آخرین لحظات زندگی اش گفت: "تنها غم راستین در زندگی، غم قدیس نشدن است". بیایید امید تقدس را از دست ندهیم، بیایید این راه را دنبال کنیم. می خواهیم قدیس باشیم؟ خدا منتظر ما است، با آغوشی باز؛ خدا آماده است تا ما را در راه تقدس یاری کند. بیایید در شادی ایمان مان زندگی کنیم، بگذاریم خداوند دوستان داشته باشد... بیایید این هدیه را در نیایش از خدا بخواهیم، برای خود و دیگران.

۲ اکتبر ۲۰۱۳

میدان سنت پیتر